

**ألفیه سیوطی**  
**در مصطلح حدیث**  
**«نظمُ الدُّرِّرِ فی عِلْمِ النَّثْرِ»**

نظم

حافظ جلال الدین سیوطی

(متوفی ۹۱۱ هـ)

شروح

سید مسلم تفتدار

مدرسه امیریہ

جزیرہ قشتم – گیاهدان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- ١٤٧ - وَقَوْلُهُمْ: عَنْ رَجُلٍ مُتَّصِلٍ وَقِيلَ: بَلْ مُنْقَطِعٌ أَوْ مُرْسَلٌ
- ١٤٨ - كَذَلِكَ فِي الْأَرْجِحِ كُنْتُ لَمْ يُسَمَّ حَامِلُهَا أَوْ لَيْسَ يُدْرَى مَا اسْمُ
- ١٤٩ - وَرَجُلٌ مِنَ الصَّحَابِ، وَأَبَى الصَّيْرِ فِي مُعْنَعْنَا، وَلِيُجْتَبَى
- ١٥٠ - وَقَدَّمَ الرَّفْعَ كَالْإِتِّصَالِ مِنْ ثِقَةٍ لِلْوَقْفِ وَالْإِرْسَالِ
- ١٥١ - وَقِيلَ: عَكْسُهُ، وَقِيلَ: الْأَكْثَرُ، وَقِيلَ: قَدَّمَ أَحْفَظًا. وَالْأَشْهُرُ
- ١٥٢ - عَلَيْهِ لَا يَقْدَحُ هَذَا مِنْهُ فِي أَهْلِيَّةِ الْوَاصِلِ وَالَّذِي يَفِي
- ١٥٣ - وَإِنْ يَكُنْ مِنْ وَاحِدٍ تَعَارَضًا فَاحْكُمْ لَهُ بِالْمُرْتَضَى بِمَا مَضَى

## ۱۴۷. وَقَوْلُهُمْ: عَنْ رَجُلٍ مُتَّصِلٍ وَقِيلَ: بَلْ مُنْقَطِعٌ أَوْ مُرْسَلٌ

گفته محدثین: «حَدَّثَنَا فُلَانٌ عَنْ رَجُلٍ» متصل است. و گفته شده: بلکه منقطع یا مرسل است.

### شرح:

هرگاه در اسنادی گفته شد: «عن رجل» یا «عن شیخ» یا مانند این الفاضلی که راوی در آن مبهم است در آن‌ها سه قول وجود دارد:

(۱) متصلی است که در سند آن مجهول وجود دارد. این قول راجحی است که اکثر محدثین و ارباب نقل بر آن هستند.

(۲) منقطع است. این قول از حاکم نقل شده و به عرف و عادت محدثین نسبت داده شده است. حافظ عراقی گفته است: ابن القطان در کتاب الوهم والإيهام به آن تصریح کرده است.

(۳) مرسل است. این قول، ابن الصلاح از البرهان اثر امام الحرمین نقل کرده است. حافظ عراقی گفته است: این دو قول (یعنی: منقطع و مرسل دانستن) بر خلاف رأی اکثرین از علما و ارباب نقل است همان‌گونه که الرشید العطار از ایشان نقل کرده و حافظ علائی آن را برگزیده است.

## ۱۴۸. كَذَّكَ فِي الْأَرْجِحِ كُنْتُ لَمْ يُسَمَّ حَامِلُهَا أَوْ لَيْسَ يُدْرَى مَا اتَّسَمُ

همچنین بنابر ارجح (متصل است روایت) نامه‌های رسول الله صلی الله علیه و سلم که حاملین آن نامه‌ها نام برده نشده‌اند یا نام برده شوند اما به آن نام شناخته شده نباشند.

### شرح:

<sup>۱</sup> . اصل آن: «لم يُسَمَّ»، ضرورتاً ساکن شده است.  
<sup>۲</sup> . افتعل از «الوسم» گرفته شده است، گفته می‌شود: «وسمت الشيء وسماً يَسِمُ»، هرگاه آن را علامت کردی.

نامه‌های رسول الله صلی الله علیه و سلم که به پادشاهان و غیره فرستاده است اگر حاملین آن‌ها نام برده نشده‌اند بنابر ارجح اقوال متصلی است که در سند آن مجهول وجود دارد. بعضی گفته‌اند: منقطع است و بعضی گفته‌اند: مرسل است.

آنچه ناظم رحمه الله بیان کرد در غیر صحابی بود اما اگر تابعی بگوید: «عن رجل من الصحابة»، توضیح آن در بیت بعدی خواهد آمد:

۱۴۹. **وَرَجُلٌ مِنَ الصَّحَابِ، وَأَبَى الصَّيْرَفِيُّ<sup>۱</sup> مُعَنَّأً، وَلِيُجْتَبَى**

و (گفته محدثین): «عَنْ رَجُلٍ مِنَ الصَّحَابَةِ» (متصل است)، و صیرفی<sup>۲</sup> معنن از تابعی را ابا کرده است و باید (قول صیرفی) برگزیده شود.

### شرح:

حاصل کلام صیرفی: اگر صحابی مبهم کرده شد صیرفی آن را قبول می‌کند به شرطی که تابعی به تحدیث و سماع تصریح کند مثلاً بگوید: «حَدَّثَنِي رَجُلٌ مِنَ الصَّحَابَةِ». اما اگر تابعی گفت: «عَنْ رَجُلٍ مِنَ الصَّحَابَةِ» و الفاظ شبیه به این که بر تحدیث و سماع دلالت نمی‌دهند آن را متصل نمی‌داند.

وی گفته است: من نمی‌دانم که آن تابعی از آن صحابی شنیده است یا نه؟ زیرا گاهی تابعی از دو نفر یا بیش‌تر از صحابی روایت می‌کند و نمی‌دانم که آن تابعی با آن صحابی ملاقات داشته یا نه؟ اگر بدانم که امکان ملاقات وجود داشته است آن را همانند دو کسی قرار می‌دهم که

<sup>۱</sup> . «الصَّيْرَفِيُّ» فاعل و مرفوع است، ضرورتاً ساکن شده است.

<sup>۲</sup> . امام، أبو بکر محمد بن عبد الله صیرفی بغدادی شافعی، در اصول فقه تصانیفی دارد.

وفات ۳۳۰ هجری.

هم‌عصر هم هستند. حافظ عراقی گفته است: این قول حسن و وجیهی است و کسانی که اطلاق کرده‌اند بر همین حمل می‌شود (یعنی کسانی که بطور مطلق گفته‌اند تابعی بگوید «عَنْ رَجُلٍ مِنَ الصَّحَابَةِ» متصل است).  
 ناظم رحمه الله هم به تبع از حافظ عراقی تفصیل صیرفی را تأیید کرد و آن را برگزید و گفت: (وَلِيُجْتَبَى) باید این تفصیل برگزیده شود چون وجیه است.

سخاوی گفته است: شیخ ما (ابن حجر عسقلانی) در مورد آن توقف کرده است. زیرا تابعی اگر مدلس نیست عنعنهُ او بر سماع حمل کرده می‌شود و این ظاهر است.

### ۱۵۰. وَقَدَّمَ الرَّفْعَ كَالِاتِّصَالِ مِنْ ثِقَّةٍ لِلْوَقْفِ وَالْإِرْسَالِ

روایت رفع بر وقف از طرف شخص ثقه مقدم کن مانند مقدم کردن وصل بر ارسال.

### ۱۵۱. وَقِيلَ: عَكْسُهُ، وَقِيلَ: الْأَكْثَرُ، وَقِيلَ: قَدَّمَ أَحْفَظًا. وَالْأَشْهُرُ

گفته شده: عکس آن (یعنی وقف بر رفع و ارسال بر اتصال مقدم کرده می‌شود). و گفته شده: آنچه اکثر روایان بگویند مقدم است. و گفته شده: حافظ‌تر مقدم است. و قول مشهورتر...

#### شرح:

در این دو بیت، ناظم رحمه الله بیان کرد هرگاه دو راوی یا بیش‌تر از دو یا چند طریق حدیثی را روایت کنند که راوی اول یا گروه اول آن را مرفوع یا متصل روایت کند و راوی دوم یا گروه دوم آن را موقوف یا مرسل روایت کند در حالی که همه ثقه هستند کدامین روایت ترجیح داده می‌شود؟ رفع یا وقف؟ و اتصال یا ارسال؟  
 در این مورد چند قول وجود دارد:

(۱) مرفوع بر موقوف ترجیح داده می‌شود همچنین اگر متصل و مرسل روایت شد متصل بر مرسل ترجیح داده می‌شود، این قول جمهور محدثین، فقها و اصولیین است و همین قول صحیح است.

مثلاً: حدیث «لَا نِكَاحَ إِلَّا بِوَلِيٍّ» حدیثی است که در آن بر أبو إسحاق سبیبی اختلاف شده است. شعبه و سفیان ثوری از أبو إسحاق سبیبی از أبو برده از نبی اکرم صلی الله علیه وسلم بصورت مرسل روایت کرده‌اند اما اسرائیل بن یونس به همراه دیگران از پدر بزرگش أبو إسحاق سبیبی از أبو برده از أبو موسی اشعری بصورت متصل روایت کرده‌اند. امام بخاری حکم کرد به حدیثی که متصل روایت شده است و گفت: زیاده از شخص ثقه مقبول است. در حالی که کسانی که آن را مرسل روایت کرده‌اند شعبه و سفیان هستند دو نفری که در حفظ و اتقان به مثابه کوهی می‌مانند.

(۲) عکس قول اول: مرسل بر متصل و موقوف بر مرفوع ترجیح داده می‌شود در این قول، احتیاط مشهود است.

(۳) حدیثی که راویان آن بیش‌تر باشند - یعنی: طرق آن بیش‌تر باشد - ترجیح داده می‌شود البته بعد از در نظر گرفتن اینکه همگی در حفظ و اتقان با همدیگر برابر باشند. مانند اینکه دو نفر موصول و یک نفر مرسل روایت کند یا دو نفر مرفوع و یک نفر موقوف روایت کند پس در همه این‌ها ترجیح از آن راویان بیش‌تر است.

(۴) حدیث کسی مقدم کرده می‌شود که حافظ‌تر و ضابط‌تر باشد.

۱۰۲. عَلَيْهِ لَا يَفْدَحُ هَذَا مِنْهُ فِي أَهْلِيَّةِ الْوَأَصِلِ وَالَّذِي يَفِي

بر قول چهارم، وقف و ارسال از طرف حافظ‌تر در اهلیت وصل‌کننده و رفع‌کننده جرحی ایجاد نمی‌کند.

### شرح:

بنابر قول چهارم؛ یعنی: هرگاه کسی با حافظتر مخالفت کند آیا در مخالفت شخص با حافظتر در اهلیت و حفظ وی جرحی ایجاد می‌شود؟ بنابر قول مشهور که در حفظ او جرحی ایجاد نمی‌شود.

۱۵۳. **وَإِنْ يَكُنْ مِنْ وَاحِدٍ تَعَارَضًا فَاحْكُمْ لَهُ بِالْمُرْتَضَى بِمَا مَضَى**

اگر تعارض از یک نفر صادر شود پس حکم آن همانند حکم برگزیده در آنچه گذشت، می‌باشد.

### شرح:

اگر راوی حدیثی را روایت کند و در روایتش تردید مشاهده شود به اینکه یک بار مرفوع و یک بار موقوف روایت کند یا یک بار موصول و یک بار مرسل روایت کند پس حکم آن همانند قبل می‌شود یعنی چهار قول وجود دارد. قول برگزیده همان قول اولی است که در بیت قبل گفتیم یعنی: در رفع و وقف، به رفع؛ و در وصل و ارسال، به وصل حکم کرده می‌شود.